



# حقیقت انقلاب ثور

ادگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

چارشنبه ۲۳ حمل سال ۱۳۶۳  
April 11, 1984.  
شماره ۱۸۷ سال چهارم  
شماره مسلسل ۷۹۸  
سال تأسیس ۱۳۵۹

## مشعل فروزان رهنمای ما، درفش ما، حزب ما است

رفقا!

نخست از همه به یاد آن  
قهرمانان خاندنوی پر افتخار  
ما که در راه انقلاب، حزب  
خلق و وطن جانهای شیرین  
خود را قربان کرده اند و شهادت  
شده اند برای یک دقیقه به با  
ایستاده و سکوت میکنیم.

رفقا! سربازان! افسران  
و منسوبین وزارت امور داخله  
جمهوری دموکراتیک افغانستان!  
با کمال مسرت و آرزومندی  
دعوت شما را که از طریق رفیق  
گلاب زوی وزیر امور داخله  
جمهوری دموکراتیک افغانستان  
و عضو کمیته مرکزی حزب  
دموکراتیک خلق افغانستان  
صورت گرفت پذیرفتم.

باید خاطر نشان ساخت که  
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک  
خلق افغانستان، بیرونی سیاسی  
و دارالانشای آن، شوروی  
انقلابی و شوروی وزیران  
جمهوری دموکراتیک افغانستان  
توجه به خصوصی را همیشه  
و پیوسته به خاندنوی دلیر  
افغانستان میذول داشته اند  
و همچنان جای آنست که با  
افتخار یادآوری کنیم که وزارت  
امور داخله دولت دوست صدیق  
ما اتحاد شوروی از بدو  
هیچگونه کمک لازم مادی و  
معنوی دریغ نوزیده است که  
در اینجا از طرف حزب، حکومت  
و دولت و از طرف شما امتنان  
و سپاس عمیق خلق ما را به  
دوستان و برادران شوروی  
ابراز میدارم.

رفقا! شما بخوبی میدانید  
که بعد از انقلاب ثور به مثابه  
نقطه چرخش در حیات اجتماعی  
و اقتصادی، سیاسی و فرهنگی  
کشور و بخصوص بعد از مرحله  
جدید انقلاب ثور تغییرات  
اساسی و بنیادی در تمام  
شؤون وزارت امور داخله و  
خاندنوی مارخ داده است این  
امر همیشه در پیروی سیاسی  
کمیته مرکزی حزب ما و در  
شورای وزیران جمهوری دمو-

لشده بیانیه شفاهی رفیق بزرگ کارمل منشی عمومی  
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای  
انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در جلسه فکالین  
حزبی قطعات و جزوات های وزارت امور داخله که روز  
پانزدهم حمل در تالار سلامخانه مقرر شورای انقلابی ایراد کردند

کراتیک افغانستان مورد  
ارزیابی عالی قرار گرفته است.  
واقعیت اینست که بعد از انقلاب  
ثور و بخصوص بعد از مرحله  
جدید آن هاشین کهنه وزارت  
امور داخله سابق افغانستان  
با ایجاد ماشین اداره نویسن  
وزارت داخله و خاندنوی  
جمهوری دموکراتیک افغانستان  
از بنیاد تغییر یافت. قبل از  
انقلاب ثور خاندنوی که در آن  
وقت بنام واقعی آن یعنی  
پولیس و زاندارم یاد میشد و  
وزارت امور داخله سابق در  
واقعیت امر حامی و حافظ منافع  
یک مشت اقلیت اشرار و طبقات  
استعمارگر و ستمگر اعسم از  
ملاکین فیودال، کمپادورها،  
بیروکراتهای فاسد دستگا

رفقای عزیز! یک بار دیگر  
تأکید مینمایم که شما رفقا  
خاندنویان و منسوبین و زارت  
امور داخله در همکاری نزدیک  
با رفیق سید محمد گلاب زوی  
وزیر امور داخله تا حدودیکه  
امکانات داشتید تا حدودیکه  
درک کرده میتوانستید وظایفی  
را که حزب، حکومت و دولت  
به شما سپرده است بصورت  
نسبی اجرا کرده اید.

من منجبت المجموع رضایت  
مندی خود را در زمینه ابراز  
میدارم. درین مورد که در کدام  
جبهات و سنگر های داغ و گرم  
خاندنوی هاقهرمانانه رژیمه اند  
و چندین هزار حمله، دسیسه  
و توطئه دشمنان را در اطراف  
و انکاف کشور فلج ساخته و  
از موسسات اقتصادی کشور،  
از راه ها از پوسته ها دفاع  
نموده اند میتوان زیاد صحبت  
نمود و همچنین از لحاظ تعلیم  
و تربیت شما وظایف تان را  
تا حدودیکه درک تان میتوانست

شمارا یاری برساند اجرا  
کرده اید.  
فهرست کار هایی که انجام  
داده اید قابل توجه است.  
پلینوم سیزده کمیته مرکزی  
حزب دموکراتیک خلق افغان-  
ستان وظایف سنگینی را  
درین اوضاع فوق العاده مفلق  
و پیچیده سیاسی و نظامی به  
عهده ما سپرده است. ما باید  
این وظایف را تشخیص دهیم،  
درک کنیم، برجسته سازیم  
و تعهد تاریخی خود را ایفاء  
کنیم. قبل از تعهد باید خطوط  
اساسی وظایف ما یکبار دیگر  
تصریح و روشن گردد.  
امسال باید سال تعیین  
سرنوشت و نابودی نیرو های  
دشمن و ضد انقلاب باشد

(کف زدنها)  
سالی را که  
مادریش رو داریم با چلنج  
آغاز شده است چلنجی که از  
قصر سفید از واشنگتن سر-  
چشمه میگیرد و در تهران و  
اسلام آباد پاکستان ختم  
میشود. این چلنجیست به خلق  
افغانستان به کشور ما، بوطن  
ما، به حزب ما، به دولت ما به  
قوای مسلح ما از جمله به  
خاندنوی ما.

رفقا! ما این چلنج را از  
روزی که درفش انقلاب ثور بر-  
افراشته گردید پذیرفته ایم  
و امسال هم روبرو، شجاع و  
دلیر در برابر دشمنان می رزمیم  
و باید به چلنج شان پاسخ  
کمرشکن بدهیم. (کف زدنها)  
یعنی در جریان امسال ما باید  
سرنوشت سیاه ضد انقلاب را  
که جایش در گودال تاریخ  
است به اراده خلق خود با  
نیروی دولت و قوای مسلح از  
جمله خاندنوی خود تحت  
رهبری حزب خود، حزب  
طبقه کارگر جوان و تمام  
زمختکشان افغانستان تعیین  
کنیم. (کف زدنها).

دستگاه تیلی رایتز آژانس  
اطلاعاتی باختر در شهر  
کندهار اخیراً طی مراسمی به  
کار انداخته شد.  
در مراسم والی و بعضی از  
کارمندان حزبی و دولتی و  
منسوبین روز نامه طلوع افغان  
و جراید آنولایت شرکت کرده بود  
این دستگاه توسط هیات  
فنی آژانس اطلاعاتی باختر در  
شهر کندهار بکار انداخته  
شده است. (پ)



دهقانان زحمتکش! با کار ویکار خستگی ناپذیر تان محصولات ثراعتی را افزایش دهید.  
(عکاسی ۱۰۳)

### اخبار خارجی

## تدویر پلینوم کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش

پلینوم کمیته مرکزی  
حزب کمونسٹ اتحاد شوروی  
دیروز در مسکو تدویر یافت.  
رفیق کنستانتین چرنینکو  
منشی عمومی کمیته مرکزی  
حزب کمونسٹ اتحاد شوروی  
درین اجلاس بیانیه ای ایراد کرد.  
درین پلینوم پیشنهادات  
بیرونی سیاسی کمیته مرکزی  
حزب کمونسٹ اتحاد شوروی  
در ارتباط به موضوع تشکیلاتی

### هیات حزبی و دولتی انگولا وارد وارسا شد

هیات حزبی و دولتی  
انگولا تحت ریاست ادواردو-  
دوس سانتوس رئیس حزب  
کارگری نهضت مردم برای

### دیدار رهبر امپراتور رومانی

رفیق نیکولای چا یسکو  
منشی عمومی حزب کمونسٹ  
رومانی و رئیس جمهور رومانی  
ادواردو دوس سانتوس  
رهبر حزب کارگری (امپریلا)  
و رئیس جمهور انگولا در بخار-  
ست پایتخت رومانی با یکدیگر  
ملاقات و گفتگو کردند.  
درین دیدار آنها در باره

عملیات  
قضاوت است  
نه گفتار (ص ۶)

دیگوار کار و سیاه  
افغانستان  
شهرماندهایی مرکزی  
(ص ۷)

### کار داوطلبانه جوانان در ده سبز

به افتخار ششمین سالگرد  
انقلاب شکوهمند ثور دیروز  
کار داوطلبانه از طرف کمیته  
و لیسوالی ده سبز سازمان  
دموکراتیک جوانان افغان-  
ستان در تصدی مرم و رخام  
براه انداخته شده بود.  
درین کار داوطلبانه صدها  
تن از جوانان آن سازمان  
شرکت ورزیده بودند که از  
مدرک این کار داوطلبانه یک  
مشت پول هنگفت عاید  
دولت انقلابی ما گردید.

### نصب دستگاه تیلی رایتز در کندهار

دستگاه تیلی رایتز آژانس  
اطلاعاتی باختر در شهر  
کندهار اخیراً طی مراسمی به  
کار انداخته شد.  
در مراسم والی و بعضی از  
کارمندان حزبی و دولتی و  
منسوبین روز نامه طلوع افغان  
و جراید آنولایت شرکت کرده بود  
این دستگاه توسط هیات  
فنی آژانس اطلاعاتی باختر در  
شهر کندهار بکار انداخته  
شده است. (پ)

## ضد انقلاب بر خرابه های هستی دیگران زندگی می نماید

بسیار، بیرحمانه بروی خاک  
ها انداختن تاپیسه ره از،  
جنبایش کشیدن... بعد  
میگردید آنچنان که گویی قلب  
بخون نشسته اش را به شلاق  
درد بسته اند، و آن چنان درد  
زده صحبت میکند که گویی  
مقابل چشمانش دنیا یی از  
سیاهی ها دهن کشوده است.  
میخواهم تسلی اش دهم ولی  
به تلخی میگوید:

«مادرم تکیه گاممن بود، تا  
زنده استم صحنه جان دادن  
مادر مه و دگر زخمی های  
ره که همراه ماده یک موتر  
بودن از یاد نمیبرم.» آنوقت  
رویش را لای بالشت پنهان  
میکند تا چهره غم آلودش را  
نهیمن.  
(مورجل)

چهره اش تا هنوز خسته از ظلم و وحشت اشرار است. خنده در گوشه لبانش پنهان  
بسته و شادی در خانه دلش مرده است.  
هر لحظه میگوید آنچنانکه گویی چیزی در وجودش شس میشکند و آب میشود.  
و این بار نیز قصه از ظلم اشرار است آنانیکه اصلیت شان مفلو طی است از آدم  
کنس، شرارت، غارت، رهزنی و تجاوز به نام موس مردم.  
آنان در لابلای پول خودشانرا و شخصیت شانرا گم کرده اند و از همین است که  
بر خرابه های هستی دیگران زندگی تنگین خویش را ازین می بندند، هستی را بر باد  
میدهند، قلبی را می شکنند و انسانی را به ماتم می نشانند.

و در جوانی از دست داده و  
اطفالی ندارد در حدود سه ماه  
پیش با ما درش غرض  
زیارت سخی عازم مزار شریف  
گردید و لی در بازگشت به  
هرات در منطقه حوض مدد  
ماینی که توسط اشرار روی  
شوک جابجا گردیده بود با  
عنور موتر حامل آنان از روی  
سرب منفجر و موتر باراکبین  
آن قطعه، قطعه گردید.  
در آخرین لحظات قبل از  
و وقوع حادثه مادر و دختری طور  
دیگری همدیگر را نگاه کرده  
ولی چیزی برای گفتن نداشتند  
دختر احساس میکرد بی جهت  
اشک در دلش انباشته میشود  
و بعد ننگ محسرت زده اش بسوی  
مادر ره می کشاید و آنوقت  
فریاد های بر میخیزد، صدای  
آلوده پدر، دره را پرمیکنند  
و بعد مرگ برمه جا سا ی می  
اندازد.  
ولایت میگوید: «ما درم  
به سختی جان میداد مگر اوره

در یکی از شفاخانه های  
شهر بیدن زنی میروم که  
هر دو پایش در حادثه انفجار  
ماین آسیب دیده و سخت  
بیمار است.

زنیست میانه سال. نزدیک  
چهرکش می نشینم او رو به  
رویم بالای بستر نشسته و  
سرش را بدیوار تکیه داده  
است آن چنان در خود شس  
فرو رفته که گویا وجود  
مرا نیز در نزدیکش احساس  
نمیکند. به چشمانش می بینم  
هنوز هم و خشت در سیمایش  
خوابیده است. لحظات دیر پا  
منتظر می مانم تا متوجه ام  
میکردد. آنوقت سر صحبت  
را با وی می کشایم.  
اسمش ولایت است باشند  
شهر نوهرات، شوهرش



(بقیه صفحه اول)

# مشعل فروزان رهنمای ما، درفش ما...

رفقا! خاندویان عزیز! تنها نمیتوان با شعار دشمن را محو ساخت. مبارزه - مبارزه طبقاتی است هرروز این مبارزه از آنجاییکه جنگ طبقاتی است باز هم و باز هم کسب شدت کرده و میکند.

ارتجاع و امپریالیسم باین آسانی نیکبازد که شمدرفش موفقیت کامل و عام و نامرابطند کنید. آنها مذبوحانه تا آخرین امکانات خود مقاومت مینمایند. نباید به دشمن کم بها داد. همانطوریکه نباید به آن پربها داد. ساده لوحانه خواهد بود اگر دشمن را ضعیف بیندازیم ولیکن اینهم غیرانقلابی خواهد بود که ما احساس ضعیف کنیم، وظیفه انقلابی، و طغیان و اترناسیون - لیستی ماست که سر به کف علیه دشمن در جبهه داغ مبارزه طبقاتی چون صخره استوار با قبول تمام دشواریها باثبات و با صلابت به پیشکار آشتی ناپذیر ادامه دهیم. (کف زدن). در برابر دشمن باید مسلح بود دشمن ماسخت مسلح است. سلاح ما چیست؟ ما باید سلاح خود را بشناسیم و درک کنیم.

قدرت ما، نیروی ما، رمز پیروزی ما، قدرت واقعی خلق افغانستان، قدرت حزب ماست. سیرتکامل جوامع بشری ثابت کرده است که بدون یک حزب مستحکم با دسیلین آهنگین باوحدت اراده و اندیشه و عمل هیچگاه نمیتوان انقلاب های آزادی بخش خلق را به پیروزی کامل رسانید. سلاح مقدس ما حزب ماست. تحت رهبری حزب ما بود که انقلاب نور پیروز گشت. تحت رهبری حزب بلشوی یکپا بود که بزرگترین انقلاب تاریخ بشریت یعنی انقلاب کبیر اکتوبر پیروز گشت و سر نوشت تمام بشریت را تغییر داد. (کف زدن).

رفقا! ما وظایف بزرگ انقلابی و تعهدات خود را در مقابل محراب وطن تنها و تنها در صورتی میتوانیم اجرا کنیم که فقط و فقط تحت رهبری هدایت و دستور حزب عمل کنیم، بچنگیم، بیکار کنیم و کار کنیم. (کف زدن).

من بر اصل رهبری حزبی تاکید میکنم. این قانون عام ماست تمام مائشین دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، تمام وزارت ها، ادارات و موسسات، تمام سازمان های اجتماعی و خلق افغانستان تنها و تنها تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان است که میتواند به ساختمان جامعه نوین فارغ از استثمار فرد از فرد، فارغ از تبعیض و تمایز، یک افغانستان پر شکوه و سر بلند و نیرومند نایل گردند. ولی با تاسف باید گفت که در بعضی انوزارتخانه ها، موسسات و ادارات ما در بعضی از ساز مانهای ما حتی ساز مانهای داخل حزبی ما از جمله در خاندوی و وزارت داخله ما این اصول تا هنوز در پوست و گوشت و عقل و دماغ و شرف همه عمیقاً جایگزین نشده است.

هنوز حزب همه چیز مانیست، در حالیکه برای یک انقلابی مجبزی به تیوری علمی انقلابی است. و طغیان و اترنات سئونالست و دوست صدیق اتحاد شو روی است و افغان پرشور و فداکار است. یک راه یک ملاک وجود دارد و آن ملاک اطاعت عام و تمام و وفاداری خدشه ناپذیر به حزب دمو - کراتیک خلق افغانستان است

نه به این و آن. این گروه و آن گروه. این محفل و آن محفل. پس بد بختی بزرگ خواهد بود اگر ما چنین وظایف عظیم و مقدس و ارمانهای کبیری را که در برابر همه افغانهای وطنپرست انقلابی قرار دارد قربان هوا و هوس چند محفل و چند شخص، چند گروپ، بنماییم و وطن مردم، حزب، دولت، انقلاب و ضرورت ایجاد یک افغانستان نوین را فراموش کنیم. پدران ما با وسایل فوق العاده ابتدایی رزمیده اند و یک وطن آزاد و مستقل را برای ما به میراث گذاشته اند. این اما نیست اجداد و نیاکان خود را با یک حفاظت کنیم. چرا بخصوص در برابر رفقای خاندوی درین موارد تاکید می ورزیم، به خاطر اینکه در اوضاع کنونی و در اوضاع نور مال یعنی در اوضاع انقلاب و قیام مسلحانه و در اوضاع نورمال این خاندوی است که هر روز و هر ساعت و همیشه با مردم در تماس است. شما بیا فکر و مظهر واقعیت حزب هستید، این از یک طرف امتیاز خاص خاندوی از طرف دیگر مسوولیت سنگین آنست بدین معنا سبب کمیته مرکزی حزب ما توجه بخصوص به خاندوی مبذول داشته و دارد و در آینده نیز خواهد داشت. (کف زدن).

خوب رفقا! سلاح بران، مشعل فروزان رهنمای ما و درفش ما که بان تعهد بسیاریم حزب است. هر سازمان اعم از سیاسی و اجتماعی و هر افغان یولوژی ای از خود اسات و اصولی دارد. اساس و اصل فعالیت حزب ما که امروز میخواهیم در باره آن با شما حرف بزنیم اساساً سه چیز است. اساساً سه چیز دموکراتیک خلق افغانستان در کنفرانس سر تا سری ملی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مورد تصویب قرار گرفت.

این اساساً سه چیز است که اساساً آن در کنگره موسس حزب دموکراتیک خلق افغانستان مورد تصویب قرار گرفته است در کنگره موسس که سوسی که فقید نور محمد تهرکی حضور داشت در آن زمان جاسوس و عامل ای امریکا حفیظ الله امین هنوز در امریکا درسهای سی. آی. ای را می آموخت و در بازگشت به کابل با سوء استفاده از اعتماد فقید نور محمد تهرکی عامل جنایات و انشعاب در داخل حزب شد و بعد ها عامل فجایع زیادی شد که شما خود اطلاع دارید. حتی در برابر شخصیکه ظاهراً او را تقدیس میکرد خائنانه توطنه و دسیسه کرد در آن زمان کجا بودند این گروه های رنگا رنگ که امروز از اینجا و آنجا فریادشان بالا است ما یک حزب و یک اساسنامه داریم. (کف زدن). یک امرام یک خط - مشی، یک رهبری داریم. خوب حالا اگر کسی نیکه بخواهند که پیوند روحی و روانی خود را با سوابق بصورت اشتباه آمیز و حتی خائنه قطع کرده و بر اساس روح کنگره موسس و اساسنامه حزب وظایف خود را ایفاء نکنند و محراب وطن ناموس و شرافت و وطن و خلق افغانستان را

قربان هوا و هوس علایق انفرادی خود بنمایند چه اسمی را میتوان روی آنها گذاشت؟ این افراد اغلباً هم کسی نیستند که در حزب زیاد سابقه ندارند. کسی نیستند که بعد از مر حله جدید انقلاب تصور داخل حزب شده اند. حتی کسی نیستند که در انشعابات حزب در توطنه علیه رئیس شورای انقلابی و منشای عمومی قانونی سپهر داشتند اگر امروز با این نام و آن نام بخواهند وحدت حزب ما را برهم بزنند و وظایف موجود در برابر وطن و مردم و خلق را قربان هوس های انفرادی خود بکنند به آنها چه نامی میتوان داد؟ من به نمایندگی از حزب برای آنها فقط یک نام میتوانم بگذارم. چنین عناصردر حزب ما اینچنین ها و جاسوس های سی. آی. ای و امپریالیست اند. اینچنین های پاکستان و ایران اند. بقایای اینچنین های امین اند. خائن به حزب ما اند و سر انجام آنها افغان نیستند. انقلابی نیستند. ما باید علیه چنین افرادی مبارزه سرسختی را به پیش ببریم (کف زدن). در اینجا مطلب بر سر وفا داری به آرمانهای عمومی حزب است.

درین مورد هیچ استثناء وجود ندارد. رفقای که بیست ساله سابقه حزبی دارند اگر امروز اصل همبستگی و دسیلین آهنگین و وحدت حزب دموکراتیک خلق افغانستان را رعایت نکنند خاین بوطن و انقلاب است. خوب ببینیم که اساساً سه چیز در برابر ما چه وظایفی را قرار میدهد. ما اگر آنچه را که حکم اساسنامه است مورد تطبیق قرار دهیم میتوانیم با جرئت اعلام بداریم که سال جدید، سال جواب به چلنج و سال سرکوب ضد انقلاب سال سرکوب ارتجاع و امپریالیسم است. (کف زدن).

در ماده پنجم اساسنامه حزب ما آمده است: هر عضو حزب موظف است که:

۱- از آزادی و حمایت نماید. در راه اعمار جامعه نوین فاقد استثمار فرد از فرد و اجتماع و سیاسی کشور در اجرای دگرگونی های انقلابی اجتماعی و اقتصادی سپهر فعال گیرد. از وطن محبوب خود افغانستان و دست آورد های انقلاب تصور در مقابل ارتجاع و امپریالیسم دلیران و شجاعانه دفاع نماید. این دیگر ضرورت به توضیح ندارد و خود گویاست.

۲- مقررات حزب و انضباط حزبی و دولتی را رعایت کند. عضو حزب باید بر نام عمل، سیاست عمومی و جاری یعنی ستراتیژی و تاکتیک حزب را تبلیغ و در راه تطبیق آن مبارزه نماید. رفقا! از خود سوال کنید که تا چه اندازه اساساً سه چیز یعنی این مقررات حزب، انضباط حزبی و دولتی را رعایت کرده و بر نام سیاست عمومی و جاری حزب را تبلیغ و در راه تطبیق آن

مبارزه کرده ایم. آیا ما در عرصه تبلیغ صدای انقلاب خود را به توده های مردم رسانیده ایم. ما روح مرام و برنامه عمل، خط مشی حزب را در اعماق توده های مردم رسانیده ایم. و اگر چنین کاری صورت میگیرد آرمانی که ما برای خلق داریم آیا نمیتوانست در بین اکثریت عظیم خلق افغانستان به نیروی سترگ مادی میدل گردد و همه مردم در پهلوی حزب در پیوند با حزب در کوتاه ترین زمان ضد انقلاب و پانده تیز را محو نمیساخت؟ پس می بینیم که اساساً سه چیز برای ما وظیفه سپرده و ما هنوز موفق به اجرای آن نیستیم، از اصول مقدس ما است که پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، بلوچ، ترکمن، نورستانی و غیره همه و همه در وطن واحد مان افغانستان وظایف مشترک دارند. پس نباید به گرایش خائنه ای که برادران هم وطن ما را در برابر هم قرار میدهند موقع داده شود.

رفقا! در راه تحکیم هرچه بیشتر و بیشتر وحدت ایدو - لوزیک، سازمانی و سیاسی حزب بگوئید و با هر جر یا نیکه در داخل و خارج حزب به وحدت و منافع حزب زیان برساند قاطعانه مبارزه نماید.

من نخواستم که تمام دوسیه ها و اطلاعاتی را که از درون حزب و سازمانهای حزبی ملکی و نظامی، قوای مسلح و حکومت در اختیار دارم و نشاندهنده نقض قوانین حزبی است مطرح سازم. حقایق، ارقام و مشخصات اشخاص مختلف موجود است اکنون فاز جدید بهبود کار را اعلام کرده ایم. اساساً فاز جدید یک نکته اساسی است و آن اینست که: آنچه را که میگوئیم باید در عمل پیاده کنیم اگر تمام این دوسیه ها و اطلاعات را مطالعه کنید و وقتی که به حقایق بی می برید روح و جان تان به یک افغان وطنپرست، انقلابی اترنات سبونالست مجهز به تیوری علمی و انقلابی و دوست صدیق اتحاد شوروی میسوزد آتش میگیرد. رفقا! ما انقلاب کردیم. حزب ما در رهبری انقلاب قرار گرفت. یک بار به مردم تان رجوع کنید شما که بتا سوازی خصوصیات جدید خاندوی اکثریت تان فرزندان رنج و فرزندان خلق هستید از زمره اعیان و اشراف، از ملاکین فیدوال نیستید از سرما یه داران و شاکه از میان مردم برآمده اید و پدران و مادران اکثر شما در دهات زندگی کرده اند و میکنند، یکبار ببینید که مردم ما در چه وضعی قرار دارند.

عشق سو زنده بوطن محبوب ما یعنی افغانستان در استخوان و مغز استخوان ما باید رخنه کند. من بشما با جرئت میگویم که هر گاه جنایات و خیانت های حفیظ الله امین نمی بود و حزب وحدت خود را تا مین می نمود، بعد از پیروزی انقلاب نور که ۹۹ فیصد مردم ما انقلاب را جشن گرفتند و از

عشق سو زنده بوطن محبوب ما یعنی افغانستان در استخوان و مغز استخوان ما باید رخنه کند. من بشما با جرئت میگویم که هر گاه جنایات و خیانت های حفیظ الله امین نمی بود و حزب وحدت خود را تا مین می نمود، بعد از پیروزی انقلاب نور که ۹۹ فیصد مردم ما انقلاب را جشن گرفتند و از

آن استقبال و پشتیبانی نمودند در جریان یک الی دو سال ما تنها تمام دشمنان طبقه تی خود را محو و نابود مینمودیم، بلکه اکنون کار ساختمان جامعه نوین - دموکراتیک را به پیمان بزرگ و وسیع تری از امروز انجام میدادیم. و وقتی که بتا ریخ حزب رجوع کنید خواه هیج دید که ما زما نی به شکست بر خورده ایم که وحدت در حزب ما وجود نداشته است و همیشه وقتی پیروز بوده ایم که وحدت، دسیلین و یک پارچگی در حزب وجود داشته است. این حقایق تاریخ حزب ما است. بدین جهت یکی آن وحدت ایدو - لوزیک است. اساساً سه چیز می نماید که حزب دموکراتیک خلق افغانستان مطابق اصول تیوری علمی انقلابی فعالیت نموده و بر اساس اتحاد داوطلبانه نمایندگان پیشرو و آگاه کارگران، دهقانان، منسوبین قوای مسلح، روشنفکران و پیشه وران، کوچیان و سایر زحمتکشان شهر و ده ازمنافع و مصالح تمام زحمتکشان کشور دفاع، پشتیبانی و نمایندگی مینماید. مسایل مربوط به وحدت سازمانی و تشکیلات حزبی و سازمانی در اساساً سه چیز موجود است که شما آنرا مطالعه کرده اید. سیستم سازمانی حزب دموکراتیک خلق افغانستان انسجام یافته است و گمان نمیکند که درین مورد اختلاف نظر وجود داشته باشد. یقیناً وجود ندارد. مساله مهم دیگر مساله وحدت سیاسی است که این مساله میتواند بعضاً مورد اختلاف قرار گیرد این مساله هم از خود اجزا دارد، اجزای وحدت سیاسی متشکل از ستراتیژی و تاکتیک میباشند. من یقین دارم که در رابطه با اصطلاحات ستراتیژی و تاکتیک در عرصه نظامی وارد هستیم. مثلاً ما میخواهیم که دشمن را باید سرکوب کنیم برای این امر اولاً نقاط اساسی و عمده سرکوب دشمن را معلوم می کنیم.

این اهداف تعیین کنند ستراتیژیک است خوب رفقا! ما هرگز صادر کننده انقلاب و تجاوزگر نه، بلکه مدافع سرزمین کشور خویش یعنی سرزمین آبایی و اجدادی خود هستیم. بعد از آنکه نقاط سرکوب دشمن تعیین گردید باید مواضع دیگری را که ما را به ستراتیژی میسراند و ممکن متشکل از چندین مرحله هدف تاکتیک باشد. بدست آوریم تا به هدف ستراتیژیک خویش نایل آییم. در ادبیات سیاسی ما بر این دو اصطلاح به همین دوشکل که برایتان توضیح نمودم آمده است: هدف ستراتیژیک ما هم به مراحل تقسیم میشود. مادر مرحله نیل به اهداف ستراتیژیک انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیدوالی ضد امپریالیستی، ضد کامراندوری قرار داریم. رفقا! اهداف ستراتیژیک یا قبل از مرحله نوین انقلاب و حتی از بد و تاسیس حزب روشن بوده تمام سوء تفاهات ناشی از برخورد های ما با مسایل تاکتیک بوده، لیکن بعد از حصول تجارب زیاد

و بعضاً فاجعه انگیز، حزب ما بر اساس تجربه خود و شناخت همه جانبه از جامعه ما با استفاده از تجارب بین المللی، سر انجام توانست مشی ستراتیژیک، تاکتیک و سیاسی خود را علماً بصورت خلق با در نظر داشت شرایط انطباق آن بر جامعه افغانستان، تدوین کند. خوب رفقا اکنون کسی از لحاظ وحدت سیاسی مخالف است.

پس اختلاف روی چه مساله است؟ امروز وحدت حزب ما بحث یک وظیفه ملی و بین المللی به مثابه یک مساله اساسی مطرح است و کلیه پیروزی ما در مبارزه علیه ضد انقلاب و پانده تیزم بشما ر میروند. یکی از ضعف های مبارزه ما درین است که در وقت اجرای وظایف، در شرایط جنگ با دشمن بخاطر حفظ استقلال و آزادی کشور و دفاع از دست آورد های انقلاب، باز هم تفاوت ها و اختلافات ظهور میکند، باز هم تعصبات وجود می آید و چند پاسخ به همه مسایل برای شما مشکل است. مقامات رهبری حزب خوب میدانند و این مساله را بصورت جدی و روشن زیر مطالعه گرفته اند. اما باید تمام انواع بهانه جویی ها و تعلل در انجام وظایف که درین زمینه وجود دارد از بین برده شود.

رفقا! آیا شما با رهبری حزب تان منحنی المجموع توافق دارید؟ مسلماً اختلاف وجود ندارد امروز خاندوی توافق خود را در زمینه تحکیم وحدت حزب ما تثبیت و اعلام داشت. (کف زدن، هورا ها)

رفقا! به وظیفه دیگری که مساله جدی برای هر عضو حزب سازمانهای حزبی و ارگانیای حزبی است می پردازم و آن مبارزه علیه کلیه مظاهر و تمایلات فراکسیون، انشعاب طلبی، محل پرستی، شونوئیزم، ناسیونالیسم محلی و عظمت طلبانه، جبرگرایی و هاجرا جویی، دگماتیسم هرنوع ابورتونیسم راست و چپولیرالیسم است. رفقا! در حزب مبارزه درون حزبی موجود است. البته مبارزه بی سالم و با کلتور عالی پرولتاری و در پرنسپ قاطع. هدف این مبارزه جنگ و ستیز نیست، مشیت و تشمیش در داخل حزب جاندارد. تجهیزات و وسایل نظامی که بشما سپرده شده است در داخل حزب استعمال نمیشود.

رفقا! در حزب ما یک نقطه ضعیف دیگر موجود است و آن ضعف رفاقت، صمیمیت و اعتماد است که علیه آن باید مبارزه کرد. بدون روحیه رفاقت، صمیمیت و اعتماد نمیتوان با دشمن غدار، ارتجاع و امپریالیسم، تمام قوای مسلح خود را تجهیز کرد. ما باید روحیه اعتماد، صمیمیت و همکاری رفیقانه و برادرانه را در حزب ایجاد کنیم. (کف زدن).

میخواهم شما جدلاً با خصوصیات محلی عقب مانده که در کشور ما مسلط است نه تنها مبارزه کنید، بلکه در وجود خود نیز این خصوصیات را از میان بردارید و به آن خانه دهید. و باید در داخل کشور علیه سبیل گوند و تور گوند، شمال گوند، جنوب گوند، غرب گوند، شرق گوند و غیره و غیره بسا

شدت مبارزه کرد و به آن خانه بخشید. (کف زدن). رهبر کارگران جهان میگوید که حزبی دارای کیفیت محدود، اما از لحاظ کیفیت استوار و محکم میتواند در فضای صمیمیت، اعتماد و همکاری برادرانه و مناسبات رفیقانه بر دشواری ها غلبه کند و در برابر حملات و خشایان دشمن چون کوه استوار باشد خوشبختانه با افتخار میتوان یادآوری کرد که اکنون اعضای حزب مادر صف سپاهیان انقلاب و قوای مسلح واز جمله در صف خاندوی باقمهرمانی و فداکاری دوش بدوش هم با افرشته نگه داشتن درفش خویش - حزب ما علیه دشمن فداکارانه می رزمند. (کف زدن).

این یک واقعیت مسلم است. مساله دیگر که بیانگر نقض و کمبودی در درون حزب ما و مخصوصاً در قوای مسلح است، مساله حفظ اسرار حزبی و دولتی است که جدا باید مراعات گردد. به بیان دیگر هر عضو حزب باید در هر گونه شرایطی در برابر خرابکاران هو شیاری باشد و حزب را از عناصر نامطلوب و اندیشه های انحرافی منز و مضنون نگه دارد همیشه باید باین امر ملتفت بود که دشمنان اینجنت های خود را برای خرابکاری و کشف اطلاعات در بین ما نفوذ میدهند. البته باید آگاه بود که این امر نباید درماچنان وحشتی را ایجاد کند که عدم اعتماد را به مثابه یک مرض ساری درما بوجود آورد. اما باید در برابر خرابکاران سخت هوشیار بود و اجازه نداد که اینجنت های دشمن در بین مان نفوذ کنند. خرابکاران رادروقت و در محل آن باید فحج نمود و آنها را افشاء و برملا کرد.

تکنه مهم دیگر اینست که باید مصالح و منافع حزب و مردم را بر منافع شخصی و فردی مقدم شمرد.

پولیس و ژاندارم و زارت داخله دوران سلطنت و جمهوری قلابی داود یکی از مراکز فساد بود. رشوه خوری رواج داشت و منسوبین آن جای خود را در فسادخانه ها می یافتند. ملیونها رشوت اخذ میکردند و در برابر شرف و ناموس مردم خانواده و ملکیت مردم رحم و عاطفه ای نداشتند، البته استثنای در هجا وجود دارد، تفاوت میان خاندوی نوین ما که در پیوند فزاینده با مردم با خانواده های آنان، با ناموس و زنان و اطفال مردم، با پدران ریش سفید و مادران سر سفید قرار دارند با پولیس و ژاندارم فرتوت و جلا دمنش گذشته باید برجسته و همه جانبه باشد. در هر انقلاب عناصر اوباش، دزدان و قطاع الطریقان، آدمکشان که به امراض قرون گون، از جمله مواد مخدره معتاد هستند، یعنی رزایل ترین عناصر جامعه بنابر تحریکات ارتجاع و امپریالیسم مانند ارواح خبیثه سر بلند میکنند. بناء رفقا شما در برابر یک جنگ کبیر یک جهاد کبیر قرار دارید، شما تنها در سنگر داغ جنگ عادلانه بلکه در سنگر مبارزه علیه هر گونه امراض فاسد کننده نیز قرار دارید. اینجاست که فرد فرد خاندوی ما بخصوص اعضای حزب باید به اصطلاح وطنی، خود را نگاهدارد که فاسد نشود. (ص ۳)



# مشعل فرزندان رهنمای ما، درفش ما...

در شرایط انقلاب - تسلط برامیال نفیسی، منافع شخصی، شهوت، ثروت و وقف زندگی در برابر آرمانهای انقلاب و خلق و وطن، انسانهای طراز نوین بیایم طلبند. خاندنوی در پیوند فزاینده با مردم است. بنام مردم اگر دیگران را در سایه می بینند به شما در روشنائی نگاه میکنند. مردم از کوچکترین اشتباه شما انتقاد میکنند شما اگر در وجود این لباس مقدس آلوده شوید در حقیقت نه تنها در برابر ناموس و شرف این لباس توهین و تحقیر کردهاید که خود گناهی غیر قابل عفو است، بلکه حزب، دولت و انقلاب را در افکار عامه مردم تخریب و بد نام کرده اید. باین پایه است که وظایف شما بسیار سنگین است و اساسنامه حزب پیشبینی میکند که باید مصالح و منافع حزب و مردم را بر منافع شخصی و فردی مقدم شمرد. اعضای حزب باید در برابر حزب صادق و صمیمی باشند. حقایق را از حزب پنهان نکنند. حتی در صورت ارتکاب اشتباه باید در پیشگاه حزب خود اعتراف کنند حقایق را که کشف میکنند به مرجع لازم حزبی صادقانه گزارش دهند. حقایق تحریف شده را به حزب گزارش ندهند و اتهام، الزام، جمل، فریب، جانبداری های شخصی را کنار بگذارند.

**وفای عزیز!**

واقعیت اینست که وحدت حزب دموکراتیک خلق افغان - نستان قوای مسلح و آزانجمله خاندنوی با خلق با انقلاب نمیتواند صرف بر مبنای شعار تحقق یابد. وقتا من میگویم وحدت، هدف من وحدت واقعی و ارگانیک است، نه وحدت مکانیکی، قراردادی و مصنوعی، بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب ما بعد از فاز جدید بهبود کار با دقت و مسوولیت جدی به مساله تامین وحدت ارگانیک حزب عطف توجه خاص نموده است. ما از روی تجربه باین نتیجه رسیده ایم که: بطریق سیاست درست کادرها، جدی گرفتن مسوولیت هم در سطح سازمانها و هم در سطح فردی و پس از آن تقاضا و بازپرسی جدی از شخص موظف میتوان دسیلین آهنگین را منحنی المجموع در حزب قوای مسلح از جمله خاندنوی تامین کرد. نتیجه این امر تامین رحمت آهنگین و فولادین ویک پارچگی حزب ما، حزب طراز نوین طبقه کارگر ماست. (کف زندنها)

درین صورت وحدت حزب، وحدت در قوای مسلح و در سازمان های اجتماعی تامین و بالتجربه وحدت با خلق و پیوند با آن تامین میگردد. در پیوند با خلق است که میتوان قاطعانه نیرو های ضد انقلاب داخلی و خارجی یعنی ارتجاع و امپریالیزم را سرکوب کرد. بدین مناسبت اسامی شما ما باین به رهنمای عمل حزب مانتصریح میکنم که در انتخاب کادر ها برای وظایف و مقامات حزبی و دولتی اصل شایسته گی، صداقت، کفایت، آگاهی و خصلت طبقه ای، شعور طبقه ای یعنی خصلت پرولتری کاندیدان جدا در نظر گرفته شود و درین مورد به نفوذ و تاثیر روابط خانواده کسی، شخصی، قومی، محلی و دیگر ملاحظات اجازه داده نشود. هر گاه مقامات رهبری حزبی، دولتی و حکومتی ما همچنان مقامات رهبری قوای

مسلح، دستگاه کمیته های مرکزی، بیروی سیاسی، دارالانشاء کمیته مرکزی، هیات رئیسه شورای انقلابی، شورای وزیران و هر وزارت خانه و موسسه بر اساس این اصل در کاندید و انتخاب و تعیین کادر های رهبری برخورد کنند، دیگر هیچ بهانه ای در داخل حزب، برای هیچکس باقی نمی ماند که بتواند بر مبنای زند و وحدت حزب ما را بر هم زند. باید اذعان کرد که اکنون رهبری حزب تصمیم گرفته است که بر دشواری هادرین زمینه غلبه کند و در قبال کادر ها و شخصیت های که از خود شایسته گی نشان دهند بدون تبعیض و تمایز و یا جانبداری این یا آن گروه هیندی منسوخ و فریاد سا بق در حزب بر خورده معین و واقعیتها نه نماید. رفقا! بعد از شش جدی بنا بر سیاست خائنه نه حقیقت الله امین نه تنها خلق ما با دشواری عظیم مواجه بود بلکه حزب ما پارچه پارچه بود. حزب ما سیستم نداشت حقایق تحریف شده را به حزب گزارش ندهند و اتهام، الزام، جمل، فریب، جانبداری های شخصی را کنار بگذارند.

**وفای عزیز!**

واقعیت اینست که وحدت حزب دموکراتیک خلق افغان - نستان قوای مسلح و آزانجمله خاندنوی با خلق با انقلاب نمیتواند صرف بر مبنای شعار تحقق یابد. وقتا من میگویم وحدت، هدف من وحدت واقعی و ارگانیک است، نه وحدت مکانیکی، قراردادی و مصنوعی، بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب ما بعد از فاز جدید بهبود کار با دقت و مسوولیت جدی به مساله تامین وحدت ارگانیک حزب عطف توجه خاص نموده است. ما از روی تجربه باین نتیجه رسیده ایم که: بطریق سیاست درست کادرها، جدی گرفتن مسوولیت هم در سطح سازمانها و هم در سطح فردی و پس از آن تقاضا و بازپرسی جدی از شخص موظف میتوان دسیلین آهنگین را منحنی المجموع در حزب قوای مسلح از جمله خاندنوی تامین کرد. نتیجه این امر تامین رحمت آهنگین و فولادین ویک پارچگی حزب ما، حزب طراز نوین طبقه کارگر ماست. (کف زندنها)

درین صورت وحدت حزب، وحدت در قوای مسلح و در سازمان های اجتماعی تامین و بالتجربه وحدت با خلق و پیوند با آن تامین میگردد. در پیوند با خلق است که میتوان قاطعانه نیرو های ضد انقلاب داخلی و خارجی یعنی ارتجاع و امپریالیزم را سرکوب کرد. بدین مناسبت اسامی شما ما باین به رهنمای عمل حزب مانتصریح میکنم که در انتخاب کادر ها برای وظایف و مقامات حزبی و دولتی اصل شایسته گی، صداقت، کفایت، آگاهی و خصلت طبقه ای، شعور طبقه ای یعنی خصلت پرولتری کاندیدان جدا در نظر گرفته شود و درین مورد به نفوذ و تاثیر روابط خانواده کسی، شخصی، قومی، محلی و دیگر ملاحظات اجازه داده نشود. هر گاه مقامات رهبری حزبی، دولتی و حکومتی ما همچنان مقامات رهبری قوای

ترا فیک تا دفاع از ملکیت عامه و وظیفه خاندنوی است. خاندنوی در بنیچ مردم و کمک به دهقانان دوش به دوش ارگانهای حزبی و دولتی، در زمینه اصلاحات ارضی و آب، در ایجاد و توسعه کوپرا تیف های زراعتی نقش پر جسته و فعال دارد. خاندنوی ارگان سیاسی دارد، دلیل آن روشن است، زیرا خاندنوی ما خاندنوی طراز نوین است، دولت ما طراز نوین است در او ضاع آرام و صلح آمیز اردوی ما برای دفاع از سر زمین، کشور، استقلال و حاکمیت ملی کشور، در گارتیز یون ها در دژ های مستحکم نظامی آماده خواهد بود. اما خاندنوی هر روز بر تحرکات در پروسه رشد و تکامل انقلاب و ساختمان جامعه نوین یکجا با خلق و مردم کار و پیکار خواهد کرد. بدین جهت ما نمیتوانیم در برابر خاندنوی خود ساده برخورد کنیم. خاندنوی از یک طرف سلاح در دست از جانب دیگر با آگاهی و هوشتیاری در برابر خراب کاران حافظ امنیت شخصی، خانوادگی و اجتماعی مردم است. خاندنوی در دهات و شهر ها یکجا با مردم، بیل و کلنگ بدست گرفته، افغانستان نوین را اعمار می کند. (کف زندنها)

رفقا! خاندنوی بودن افتخار بزرگی است از این جهت خاندنوی ما باید بعد از این جلسه سر تا سری، فمایلین و کادر های حزبی و سیاسی قطعات و جزو تام های وزارت امور داخله نمونه خصلت و سنجایی نوین باشد. (کف زندنها)

رفقا! نقطه ضعیف دیگر ما عدم جرئت و شجاعت در انتقاد ماست و اصولی است ما باید پیش از همه از خود و از بهترین رفیق خود که از همه کس بمائزیدک تر است انتقاد کنیم. انتقاد باید بیرحمانه اما در چارچوب اصول باشد. هر حزبی بخصوص خاندنوی ما که این همه وظایف پیچیده سنگین را بعهده دارد باید نواقص و اشتباهات را به موقع از راه انتقاد اصولی اشکار و توضیح کنندو مصممانه از میان بردارد و بر ضد هر گونه بی تفاوتی، بی پروایی و جاه طلبی جدا مبارزه نماید. سطح آگاهی سیاسی، ایدیولوژیک، فرهنگی تخصصی خود را دائما بالا ببرد و تیوری علمی انقلابی را فرا گیرد. هدف از ارتقای سطح شعور سیاسی، درک ایدیو لوژیک یعنی درک ایدیولوژیک طبقه کارگر، باین یک وظیفه است و انتر ناسیونالست و ارتقای سطح کلتوری ادبی و فرهنگی میباشد. خاندنوی باید بهترین مظهر و نماینده عالیتین فرهنگ و دارای عالیتین اخلاق، سنجیه و مرکز باشد که وقت طفلی به مشکلات دچار میشود یا زنی، پیرمردی یا هموطن دیگری با دشواری روبرو میشود، برای نجات خود به خاندنوی مراجعه کند (کف زندنها) و خاندنوی رابرادر دلسوز، پدر، رفیق و حامی خود، فرزند جامعه خود بداند.

خاندنوی باید در درفش سرخ حزب خود، مشعل مردم خود باشد. خاندنوی باید اندیشه های انقلابی، آرمان های وطنپرستی افغانی، همبستگی بین المللی را در بین توده های مردم تبلیغ و ترویج نماید. ملاک های اساسی ما کدام باید باینها معتقد باشیم شیم و ایمان رابخ داشته باشیم عبارت اند از درک و وفا داری به ایدیولوژی طبقه کارگر و انتر ناسیونالیزم پرولتری توام با وطنپرستی روحیه و شور و شوق و عشق انقلابی بوطن، به خلق و خدمت به خلق و وطن ما. باید دو ستنی افغان - شوروی را هم در وجود و تار و پود حزب خود و هم در بین مردم خود بصورت هوشیارانه و مشخص نفوذ دهیم. خاندنوی میتواند نقش بزرگ و با اهمیت درین زمینه داشته باشد زیرا که همه روزه با مردم در تماس است. باید با تریوتیزم یا وطنپرستی را از ناسیو نالیزم تفکیک کرد. نیرو های اصیل انقلابی کاهای از ناسیو نالیزم مترقی پشتیبانی میکنند. این بدان معنی است که وقتی لبه تیغ ناسیو نالیزم متوجه امیر یا لیزم و استعمار باشد انسانیکه پدران ما در اوضاع و احوال و شرایط خاص خود طی قرن نوزده در مبارزه بر ضد امپریالیزم انگلیس در حقیقت روح ناسیو نالیزم داشتند. باید از آن پشتیبانی کرد. لیکن باید متوجه بود که ناسیو نالیزم ها نیمه راه قدم می بردارند بعدا با ارتجاع و امپریالیزم سازش میکنند. بدین جهت هیچگاه نمیتوان با ناسیو نالیزم ها همه وقت اعتقاد کرد باید جدا دقت کرد و از در غلتیدن به ناسیو نالیزم که به فاشیزم هتلی میاشو نیرم چینی یا صهیونیزم اسرا نیل و دیگر کشورهای وابسته مرتجع و مدافعین رژیم های مرتجع یا ناسیو نالیزم پولوت خو بخوار یا رژیم فاشیستی بنو چت در چیلی منجر شود بر حذر بود. چنین نامیو نالیزمی در داخل کشور با نیرو های مرتجع و با دشمنان وطن در تباہی میا شد، بر اقلیت های ملی داخل کشور خود ظلم و ستم میکند و می خواهد تفوق سیاسی - اقتصادی و اجتماعی را بدست آورد. حزب ما باین به گردان مجیز با ایدیولوژی طبقه کارگر هیچگاه با چنین ناسیو نالیزم اشتی و سازش نمیکند. اما عنا صر ملی ضد امپریالیست از آنها جداست و وطنپرستی با ناسیو نالیزم یعنی ملیت پرستی، تفوق پرستی که به اشکال فاشیزم شوو نیزم، صهیونیزم و امپریالیزم تبارز میکند یا با ایدیا تاید و نژاد پرستی فرق دارد. ملی بودن و وطن پرست بودن به معنی ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم بودن است. خوب رفقا! نکته مهمی که پیشتر هم خاطر نشان شد اینست که متاسفانه یک وحدت حزب ایمان نداشته باشد چگونه میتواند از دست آوردهای انقلاب نور دفاع کند.

رفقا! مردم ما مردم بسیار پر غروری اند. کوچکترین تحقیر و توهین را تحمل نمیکنند و غرور و شخصیت خود را بسیار دوست دارند. شما که فرزندان همین مردم هستید، باید در برخورد با مردم صمیمی، متواضع، خدمتگذار، مذهب و غمخوار بوده و در حیات شخصی و اجتماعی گفتار و کردار تان به صفت یک انسان مترقی و باتقوانمونه و سرمشق باشید. شما بهترین بیانگر و ترجمان و معرفی کننده حزب و دولت و انقلاب هستید. مردم از شما این تقاضا را دارند. لذا خواسته های مردم را باید تشخیص و آنرا بوقع به سازمان های حزبی گزارش داد و برای گسترش نفوذ و اعتبار حزب در بین مردم سعی نموده و روابط حزب را بطور مداوم با توده های مردم استحکام بخشید. باید همواره بگو شید که بهترین نمایندگان آنانرا به فعالیت انقلابی بکشایید و به حزب جلب کنید و در راه تحکیم پیوند های خلق های برادر ساکن وطن ما افغانستان در راه تساوی کامل حقوق و همکاری برادرانه تمام قبایل، اقوام و ملیت های افغانستان اعم از کوچک و بزرگ، در راه تشکیل آنان در سازمانهای اجتماعی زحمتکشان اعم از جبهه ملی پدروطن، اتحادیه های صنفی، کوپراتیف های دهقانان، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، اتحادیه های روشنفکران ایجادگرافغانستان و سایر سازمانهای اجتماعی مبارزه کنید. نکته مهم شناخت عمیق خصوصیات، عنعنات و اعتقادات مردم است. کوچکترین اشتباه در برابر معتقدات و عادات و رسوم مردم شمارا از مردم بصورت قطع تجرید میکند. بدین مناسبت عقاید مذهبی مردم را احترام کنید و عنعنات و رسوم پسنیده مردم را حفظ نمایید. قبلا گفتم کار تولیدی و وظایف دولتی رامجدا نه انجام دهید با روحیه عالی و کف و فداکاری و احساس مسوولیت بی پایان در راه تحقق آرمان های انقلابی زحمتکشان عمل نمایند و در صورت ضرورت هر آن آماده باشید که درین راه مقدس زندگی خود را قربان کنید. رهبر زحمتکشان جهان میگوید: وقتی انقلاب پیروز است که پرولتاریا و زحمتکشان برای تحقق انقلاب حاضر و آماده برای قربانی جان های خود باشند. خاندنویان انقلابی! باروخ و جان و عقل تان بگوید آیادر وقت ضرورت در دفاع از آرمان های حزب و انقلاب حاضر به قربانی زندگی تان هستید یا نه؟ (بلی گفتن ها)

رفقا! کسی که بخواهد وحدت را در داخل حزب صدمه بزند نماینده دشمنان ماست و آواز دشمنان از گلویش بیرون می آید. کسی که به وحدت حزب ایمان نداشته باشد چگونه میتواند از دست آوردهای انقلاب نور دفاع کند.

روح شهیدی ما، درفش هاو بیرق های گلگون و سرخ ما هرگز او را عفو نخواهد کرد. شما به آرامگاه شهیدای ما رفته اید. آنها چرا قربان شده اند. آیا ماحق داریم همه این قربانیایی که در راه خدمت به خلق، بخاطر رنج های بیکران مردم وطن ما و همه آرمانهای کبیر و مقدس ما صورت گرفته است و شهیدای خود را قربان بهانه گیری های کوچک طفلانه عقب مانده بی فرهنگ و ارتجاعی کنیم. رفقا! عده ای قبل از آن که وظایف خود را اجرا کنند دعوی احقاق حقوق خود را میکنند. یک انقلابی و یک انسان طراز نوین یک وطنپرست افغان، یک حزبی سر سپرده هیچگاه راجع به حقوق شخصی خود زندگی و رفاه خود، مقام و رتبه خود نمی اندیشد. این هم یکی از اصول انقلابی ماست. رفقا! اطلاعات موثق و تحلیل و تجزیه اطلاعات و حقایق میرساند که دیگر حزب، انقلاب و دولت ما از مردم تجرید نیستند. حزب پیوند های خود را روز تاروز منجمه از طریق خاندنوی با مردم تامین میکند و این پروسه بصورت چشمگیر پیوسته رشد می یابد، مردم بسوی حزب و دولت رجوع میکنند مصوونیت و امنیت میخواهند، زمین میخواهند، آب میخواهند، زندگی نوین میخواهند. حزب و دولت منجمه خاندنوی ما باید به خواسته های مردم پاسخ مثبت بدهد. باند های زیادی به حزب و دولت تسلیم میشوند. تا اکنون چندین صد گروه باندیستی به دولت تسلیم شده اند این گرایش در نحو خود در انقلاب های جهان بی نظیر است و پدیده خاصی را تشکیل میدهد، این امر مظهر پیروزی روز افروزون انقلاب ما، حزب ما، دولت ما و کار و پیکار قوای مسلح ما منجمه خاندنوی ماست. از اینرو با هم باید اصل تشدید مبارزه علیه ضد انقلاب و توسعه و تحکیم قدرت دولتی در سرلوحه وظایف پراتیک روز قرار داشته باشد. مردم از باند ها گریزانند. گروه های ضد انقلابی در وجود احزاب ساخته و پرداخته سبیا، ارتجاع و امپریالیزم کدر پاكستان و ایران لانه گرفته است به هیچ یک از خواسته های شخصی مردم پاسخ داده نمیتواند. این باندیست ها، این عناصر مرتجع و سبهاکار و رهبران قلابی و ساخته گئی آنها جز حرف های میان تبه برای مردم افغانستان چه میدهند. در عوض آرمانهای انقلاب، آرمانهای حزب ما مشخص و معین است و درین راه علی الرغم جنگ اعلان نشده و دشواری ها گام های استوار و باصلابت و متین برداشته شده است. رفقا! در سال جاری باید مبارزه خود را علیه ضد انقلاب تشدید کنیم. تمام خاندنوی ما باید با قدرت یکپارچه برای یک جنگ مقدس آزادی بخش بسیج شود و برای این مطلب چند نکته باید تصریح شود: رفقا! بیایید اعتراف کنیم

که برخورد بعضی از قوماندانان و افسران ما با سربازان ما و مادونان آنها برخورد درستی نیست، من گفتم که خاندنوی باید مظهر عالیتین پر خورده انسانی، مترقی و انقلابی باشد، اگر در داخل واحد ها و جزو تام ها و قطعات خود با افراد و سربازان و مادونان برخورد درست و با عاطفه و برادرانه و هموطنانه نداشته باشیم دیگر چه چیز باقی میماند. این برخورد باید تصحیح شود و ارگانهای سیاسی موظف اند که درین زمینه فعال شوند و این مطلب را سخت تحت کنترل در آورند. قوماندانان ما باید توجه جدی خود را به حیات سربازان، جای خواب، آشپز خانه، زندگی شخصی، لباس، تعلیم و تربیه، سواد آموزی و جلب آنان به حزب مبذول دارند. اکثریت سربازان ما از طبقات کارگر و دهقان بیرون آمده اند و این امر وظایف وسیعی را در برابر ارگانهای سیاسی، سازمانهای اولیه و تمام قوماندانان ما از جزو تام های بزرگ تا کوچک قرار میدهد. نقطه ضعف دیگر در خاندنوی ما عدم اعتنائی لازم برخی از مسوولین در برابر قانونیت دموکراتیک و انقلابی است. رفقا! شما در واقعیت امر مدافع قانون هستید. اگر خود شما از قانونیت انقلابی اطاعت نکنید، جرم سنگینی را مرتکب شده اید. در نتیجه دولت و حزب شمارا شدیداً مورد باز پرس جدی قرار خواهد داد. نکته با اهمیت دیگر اینست که علی الوصف قهرمانی ها و خدمات خاندنوی در مبارزه علیه ضد انقلاب و دفاع از مراکز اقتصادی و شاهراه ها، بازهم در بعضی مناطق اقتصادی در زونها، درولسوالی ها، در شاهراه ها بنابر عدم احساس مسوولیت و هوشیاری یا بنابر نفوذ خرابکاران و ایجنت های دشمن و سبها انگاری و بی اعتنائی کارکنان سیاسی و قوماندانان دشواری های جدی ایجاد شده است. بهبود قابلیت محاروبی، تحکیم انضباط، ارتقای مهارت جنگی، حاکمیت بر سلاح، شناخت اراضی، شناخت مردم، مانور قوی ترمضی، در دست داشتن ابتکار و اتخاذ تکتیک های جدید علیه تکتیک باندیستیزم از نکات اساسی است که باید مقامات مسوول خاندنوی بدان توجه جدی مبذول دارند. باید آموخت که چه شیوه ای را باید در برابر تکتیک باندیستیزم اتخاذ کرد. این یکی از نکات اساسی و جدی مسلکی و فنی شما است. شما بهترین نوع سلاح را بدست دارید. تمام تجهیزات و مهمات شما میرسد. از لحاظ تأمینات زندگی هم مصوون هستید. از لحاظ معنوی نیز ما هرگز در هیات رئیسه شورای انقلابی چیزی را از شما دریغ نکرده ایم. حزب و دولت از شما پیکار و فعالیت مشخص و جدی انتظار دارند. شما باید هرچه زودتر پیشاهنگ شوید ابتکار را در دست بگیرید و بهترین مظهر هم آهنگی، برادر، همکاری انقلابی و وطنپرستانه در قوای مسلح شوید نماینده اردو، خاد، خاندنوی سه برادر هم تن و جدایی ناپذیر اند بدون وحدت، هم آهنگی و همکاری



لیژن امریکا به خاطر تأمین  
صلح و امنیت سرا سری دُر  
کشور به خاطر آزادی و ترقی  
وطن مقدس ما افغان نستان، به  
خاطر به پیروز رساندن انقلاب  
ملی و دموکراتیک ضد فئودالی  
و ضد امپریالیستی در راه سا-  
ختمان جامعه نوین بدون  
استثمار فرد از فرد به پیشی!  
(به پیش)  
در راه دوستی جاودان و  
خداشاپذیر افغان- شوروی  
به پیش!  
در راه اعمار افغان نستان  
سر بلند پر غرور، آزاد و  
مرفه به پیش!  
زنده باد حزب ما، وحدت و  
یکپارچگی آن (زنده باد)  
زنده و پیروز باد انقلاب ما،  
زنده جاودان باد افغان نستان  
محبوب و انقلابی.  
(کف زدن، هورا های ممتد).

# شرکت در جلسه فعالین سازمان حزبی ولایت هرات

اشتراک در جلسه  
قرارگاه ولایت  
قندهار

استان و وزیر مخابرات در  
حالی که معاون منشی کمیته  
جز بسی ولایتی والی  
لایت زابل با وی همراه بودند  
قبل از ظهر دیروز از قوچا -  
دانی خاندوی آنولایت دیدن  
نموده با سربازان و افسران آن  
نوماندانی ملاقات نمود .  
همچنان رفیق اسلم وطنجار  
دیروز با عده از بزرگان و مو-  
فقیدان مرکز وولسوالی های  
آن ولایت طی محفلی که در  
مالون هتل کلات تر تیب  
نموده بود ملاقات نموده وطنی  
به یک سلسله خواسته های  
مردم زحمتکش آنجا پاسخ  
راهنمود .  
در مقابل یکتن از بزرگان  
نماینده کمی از دیگران ضمن  
سببب هرگونه آمادگی شانرا  
راه تحقق بخشیدن اهداف  
الای حزب دولت انقلابی ما  
را داشت .  
(ب)

تقدیر از شہامت و قہرمانی  
افسران و سر بازان

زان به رئیس امور سیاسی  
وزارت داخله اطمینان داد که  
در تطبیق تصامیم حزب و دولت  
دفاع از دست آوردهای انقلاب  
در آماده هرگونه ایثار و از  
داد گذری میباشند .  
طبق يك خبر دیگر رئیس  
مور سیاسی وزارت داخله  
قطعات و جزو تانهای قوما-  
نی خارندوی و کندك کوهی  
ایست بقلان باز دینمود ، (ب)

کمیته حزبی ولایتی ولایت  
هرات قرار شد سپس پنج  
تن از فعالین حزبی آنو لایت  
پیرامون گزارش اساسی  
جلسه اظهار نظر نموده آنرا  
تایید نمودند .

در اخیر رفیق صالح محمد  
زیری کار جلسه را ارزیابی  
نموده گفت: «صوبات و فیصله  
های پلینوم سیزدهم کمیته  
مرکزی حزب دموکراتیک  
خلق افغانستان وظایف عظیمی  
را در جهت تحکیم دستور  
های انقلاب در برابر سازمان  
های حزبی قوای مسلح  
و ادارات دولتی و سازمان  
های اجتماعی قرار داده است  
که اجرای آنها همه هنگام و  
انجام بهتر و بیشتر فعالیت  
را می طلبد .

رفیق محمد اسلم وطنجار  
عضو بیروی سیاسی کمیته  
مرکزی حزب دموکراتیک  
خلق افغانستان و وزیر  
مخابرات اخیراً در جلسه  
مشترک قرارگاه ولایت  
کندهار اشتراک نمود.  
در جلسه بعد از ارائه  
گزارش در باره امور امنیتی  
بهبود کار جلب و احضار در  
آن ولایت توسط چند تن از  
کارمندان مسوول و وزیر  
مخابرات طی بیانیه مفصلی  
اشتراک کنندگان جلسه رابه  
مسئولیت های خفیه شان در  
بهبود و تنظیم امور امنیتی  
و فعالیت های جلب و احضار  
در روشنی فاز جدید بهبود  
کار متوجه ساخت.

# تقدیر از شهام افسران و



# ملاقات با هیات عالی رتبه حزب کمونسٹ دِنمارک

پایان کار سیمینار کارمندان  
ایدیو لوژیک اردو

بىخاطر استقرا  
قىم مواد اوليه

**مقد قرارداد**

## ارزیابی کار جلسه کدورها و فعالین حزبی ولایت بدخشان

آبادی و کمک اتحاد شوروی  
در احداث پروژه های  
ضروری و حیاتی

# قیمومیت بر مکاتب گسترش می یابد

بازدید از ولایت کندز و شرکت در جرگه پخته کاران

رفیق سرور منگل معاون  
روای وزیران و رئیس کمیته  
رئی پلانگذاری جمهوری  
موکراتیک افغانستان ، رفیق  
بدالفار لکنوال وزیر زراعت و  
ملاحات ارضی پریروز از  
معب مختلف و دستگاه های  
ن و پرس و وضا بون سازی  
بریکه سپین زر دیدن نمودند.  
دین موقع که رفیق عزیز  
مید زاده عضو محلی البدل  
مینه مرکزی حزب معاون  
معه کنترل و نظارت کمیته  
کری حزب دموکراتیک خلق  
نا نستان ، آمر زون شمال  
شرق ، منشی کمیته حزبی  
یتنی ووالی کندز نیز حاضر  
دند، موفقی مربوط را حبه  
ایت و چکو نگي دستگاه  
ی متذکره معلومات دادند .



# اخبار خارجی، واقعیتها، حوادث

## تلاش از موقف نظامیگرانه

رفیق اندری گرو میگو وزیر خارجه اتحاد شوروی دیروز در مسکو با همنس وزیر خارجه جمهوری مردم کمپوچیا در مورد تحکیم هر چه بیشتر مناسبات و علایق اتحادشوروی و کمپوچیا و اوضاع بین المللی مذاکراتی انجام داد. طی این صحبت رفیق اندری گرو میگو توجه همنس

را به اظهارات نیم اپریل ۱۹۸۴ رفیق کنستانتین چرنیکو منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونسیت اتحاد شوروی به خبر نگار روزنامه پراودا که در آن تاکید شده اوضاع موجود بین المللی متشنج میباشد زیرا اداره ایالات متحده امریکا هنوز هم از موقف نظامیگرانه حرف زده

کنگره حزب انقلابی مردم کمپوچیا و همنسجان مسا عی ویتنام، لاوس، کمپوچیا در جهت ایجاد ثبات در جنوب شرق آسیا قرار داد.

وزیر خارجه اتحاد شوروی موقف سازنده ویتنام، لاوس و کمپوچیا را در جهت ایجاد فضای اعتماد و همکاری در آن منطقه ستود و همبستگی اتحاد شوروی را با مردمان این کشور ها ابراز داشت.

## پشتیبانی از پاسخ های رفیق چرنیکو

پروفسور ای عطاء الزمان یکی از استادان پوهنتون داکه گفته است پاسخ رفیق کنستانتین چرنیکو منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونسیت اتحاد شوروی به سوالات خبر نگار روز نامه پراودا انعکاس دهنده آنست که اتحاد شوروی خواهان مذاکرات حاکم از صراحت، اعتدالی که بتواند از یک تهدید جنگدرو جلو گیری نماید میباشد.

عطاء الزمان که با خبر نگار آژانس تاس در داکه صاحب می نمود، گفت: رهبر اتحاد شوروی دو رویی اداره ایالات متحده امریکا را که در صدد تشدید بخشیدن مسابقات تسلیحاتی بوده و در عین حال میکوشد این تلاش های خود را با صحبت از صلح پرده پوشی نماید آشکار ساخته است.

## آتشباری بر لبنان

تبادل آتش به امتداد خطی که قسمت غربی و شرقی بیروت را از هم جدا میسازد ادامه دارد. در اثر این برخورد بیش از سی نفر کشته و زخمی شده اند تجاوز گران اسرائیلی در روز های اخیر در وادی بقاع به مواضع عساکر سوریه که مربوط قوای حفظ صلح عربی میباشد بطور مکرر آتشش کرده است.

## عمل ملاک قضاوت است نه گفتار

آنرا را ثابت میکند این مصاحبه رفیق چرنیکو مرکزی حزب کمونسیت اتحاد شوروی با روز نامه پراودا ارگان حزب کمونسیت اتحاد شوروی تحلیل علمی و همه جانبه ایست از وضع موجود جهان که در اثر سیاست های جنگ افروزان امپریالیزم جهانخواز در راس امپریالیزم امریکا و خامت بی سابقه می رود.

اوضاع بخصوص بعد از نصب راکت های پر شنگ و کروزر امریکایی در قلمرو های کشور های عضو ناتو چنان با کابوس وحشتناکی روبرو چشمان مردمان جهان بخصوص مردمان اروپا قرار گرفت که دیگر بر کوششی توسط بلندگو های تبلیغاتی امپریالیزم غرض یو شانیدن توطئه های جنایتکارانه شان بی اثر میباشد. زیرا طوریکه رفیق کنستانتین چرنیکو گفته است:

«این صحبت های فریبنده برای صلح خواهی مرکز با اقدامات و تدابیر عملی تا یید نگردیده» بلکه عمل ضد گفتار

استراتژی و سلاح های ذروی در اروپا را با ناکامی رو برو نموده است.

این اظهارات مهم رفیق چرنیکو یک نکته بسیار مهم را افشاء میسازد و آن اینکه ایالات متحده امریکا و متحدان امپریالیستی و همزیم نیستی آن بخوبی از خطرات موجود برای صلح جهانی آگاهی دارند و به همین علت هرنوع آمادگی را غرض کسب برتری نظامی بر اتحاد شوروی صلح طلب اتخاذ مینماید.

راکت های ذروی پر شنگ خود را در اروپا نصب میکند و پایگاه های ستراتیژیک خود را در نقاط دوردست جهان توسعه میدهد.

ستراتیژی توسعه طلبانه امپریالیزم جهانخواز بخصوص در آسیا جایگاه بیش از ششصد پایگاه نظامی امریکا مخصوصا در جزیره های کوریا، جاپان، دگو، کارنیا، فلپین، تایلند، عمان در حال توسعه است می کوشد تا حضور نظامی خود را در چوکات این ستراتیژی در آسیای جنوبی بخصوص در پاکستان افزایش

## پرواز بین المللی

روز سوم اپریل سفینه سایوز تی (۱۱) شوروی با دو فضا نورد شوروی و یک فضا نورد هندی به فضا پرواز تاب گردید. هدف ازین پرواز بین المللی که به موجب یک موافقتنامه بین اتحاد شوروی و هندوستان صورت گرفته انجام مرحله ای از تحقیقاتی است که در خدمت اهداف صلح آمیز دو کشور قرار دارد. این پرواز فضای مشترک از دو جنبه برجسته است. یکی از لحاظ سیاسی و دیگری از نظر همکاری های سودمند علمی و تکنولوژی. بخصوص در شرایطی که

بلانهای ملینا ریستی امپریالیستی این منطقه منقسم جهان را بسوی ورطه تشنج فزاینده میکشاند تحکیم دوستی اتحاد شوروی و هندوستان بحیث عامل نیرومند در تأمین امنیت آسیا و جهان تا نیر قابیل ملاحظه دارد. در زمینه همکاری های صلح آمیز تکنولوژی یک نیز از سوی فضا نوردان برای بررسی سر زمین هندوستان و آبهای مجاور آن تا کنون اقدامات مهمی صورت گرفته است. با تجزیه و تحلیل دقیق عکس های که فضا نوردان شوروی و هندی تهیه نموده اند می توان در توسعه جنگل ها که مهمترین عامل ثروت منطقه است سود جست به علاوه از نتایج این تحقیقات در مطالعه موجودات بحری و کشف معادن نفت و گاز نیز استفاده خواهد گردید.

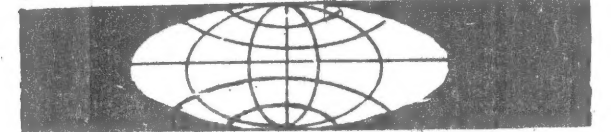
## تغیر حکومت در گینه

روز سوم اپریل یک نماینده قوای مسلح گینه از رادیو کناکری یا یختخت کشور اعلام داشت که قوای مسلح گینه با انجام یک کودتا زمان امور گینه را به دست خود گرفته اند. وی اعلام داشت که ((شورای نظامی)) حزب دموکراتیک گینه تنها حزب موجود در کشور، مجمع ملی گینه (بارمان) را منحل اعلام می نماید. نماینده قوای مسلح گینه ضمن اعلام حکومت نظامی و بسته شدن سرحدات و میدان هوایی کشور خبر تعلیق قانون اساسی گینه و منوعیت فعالیت سازمان های توده ای را به اطلاع مردم رسانید. روز بعد اعلام گردید که یک کمیته (۱۸ نفری) نظامی به رهبری دگروال لانه کوته کنترل اوضاع گینه را بدست خود گرفته. در دوماهین اجلاس حکومت جدید که در تاریخ ۷- اپریل برگزار گردید به نقل از رادیو کناکری مسایل تهیه غذا برای مردم کشور و بهبود شرایط زندگی مردم زحمتکش بخصوص از طریق افزایش میزان معاش مورد رسیدگی قرار گرفته است.

## شکست کودتا در کامرون

اقدام کودتاچیان کامرون با شکست مواجه شده است به گزارش فرانس پرس در روز جمعه گذشته کودتاچیان توانستند که میدان هوایی، استیشن رادیو و برخی دیگر از نقاط مهم

## جهان در هفته



## مروری بر وقایع مهم

در حقیقت در این مانور که روزنامه پراودا آنرا به درستی ((یک تحریک جهانی)) نامیده. آخرین سلاح های امریکایی که می توانند بشریت را به خاکستر اتمی تبدیل نمایند مورد آزمایش قرار میگیرند.

## اجلاس نا تو

اجلاس منظم گروه پلات نگاری هستوی تا تو در شهر از میرترکیه پکار خود خاتمه داد. در این اجلاس که هیئات های نظامی ۱۴ کشور پیمان اتلانتیک شمالی شریکت نمود. بودند ایالات متحده برای تحمیل پلانهای توسعه طلبانه و ملتان ریستی خود بر سایر اعضا اعمال فشار نمود. ولی معذالک در این جلسه نشان داده شده که چندین دولت عضو ناتو مجبور شده اند که گسترش امواج نا تر ضای اها لسی کشور های خویش را نسبت به پالیسی ملتان ریستی ناتو به حساب آورند.

شرکت کنندگان در این اجلاس نسبت به گسترش مسابقه تسلیحاتی به فضا که از طرف ایالات متحده دامن زده می شود ابراز تردید نمودند. در این میتنگ به دولت ها لیند به خاطر استقرار ۴۸ راکت امریکایی در خاک خود فشار زیادی تحمیل گردید. ولی در اعلامیه نهایی ذکر گردید که هالیند و یونان مواضع خود را نسبت به استقرار راکت های هستوی میان برد امریکایی در اروپا حفظ نمودند.

## امریکا، مبتکر و عامل اصلی جنگ اعلان نشده علیه نیکاراگوا

در این هفته شورای امنیت سازمان ملل که به درخواست نیکاراگوا برای رسیدگی به موضوع ماین گذاری آبهای ساحلی این کشور تشکیل گردیده بود به دلیل نست قطعنامه ای صادر کرد. نماینده اتحاد شوروی در این اجلاس ضمن محکوم کردن ماین گذاری آبهای ساحلی نیکاراگوا اظهار داشت که شورای امنیت باید این اقدام را به حیث نمونه عمل تروریزم بین المللی محکوم نماید. به هنگام رای گیری از ۱۵ عضو شورای امنیت ۱۳ عضو از جمله فرانسه و هالیند به نفع قطعنامه رای دادند و ایالات متحده که خود را در انزوای کامل احساس می نمود با استفاده از حق ویتو صدور قطعنامه جلوگیری بعمل آورد. رای ویتو ایالات متحده به قطعنامه که ماین گذاری آب های ساحلی نیکاراگوا را محکوم میکرد بیش از پیش ماهیت پالیسی واشنگتن را به حیث مبتکر و عامل اصلی جنگ اعلام نموده علیه نیکاراگوا افضای می سازد.

در این صحبت های فریبنده برای صلح خواهی مرکز با اقدامات و تدابیر عملی تا یید نگردیده» بلکه عمل ضد گفتار







# هنر و ندگی

د رساله‌های هفتاد سه (۱۹) ات وارد زنده‌گی مردم مصر شد. این تیاتر چه از نگاه تیزبینانه و چه از نگاه تالارایش همانند تیاتر اروپایی بود. یعقوب ثنوی و اسمعیل مصم نویسنده‌گانی اند که ریخ تیاتر مصر با زندگی آنان پیوند دارد. اما توفیق حکیم بنیاد تیاتر را در این‌سور دگرگون ساخت. ایشاننامه «همان شوم» او در تاسر کشور های عربی دور برپا نمود. او در این‌ایشنامه از اشغال مصر به پیشه استعمارگران انگلیس ده برداشت. پس از پیروزی انقلاب ملی و جولای، راه برای پیشرفت تیاتر مصر باز شد. تیاتر در کشور از اسکندریه تا میوان گسترده شد. در این‌سالها نویسنده‌گان مترقی انقلابی آثار شان را به تیاتر نوشنند. تروپ های تیاتری عادی شوروی و دیگر کشور های مترقی به تیاتر مصر یکی دیگری سرازیر شدند. مردم مصر این گروه های تیاتری کاروان فرهنگ نامیدند.

ما ته په گور کې  
نچونې کو ښې سهرینه  
په تور پوک وشتلې  
اشکې  
د بې ننگې او آزادی  
مه راځه مینه  
د مر و ند خوب می  
پری حرام دی  
چې په میدان کې  
له دښمن تښته کوینه  
اوږه د پیغلو د لاس  
خوند کړی  
د جنگی میدان کې  
چه څلمو له ورکوښه  
څلمیان د جنگ  
میدان ته لاړل  
دا ښکلې پیغلې ژي  
په غاړه پسي وږینه  
(نغری))

خلوصف بهمخکی خینه  
په خان مین به  
بنکته گوری  
په قوم مین خلومی  
به هسکی غازی رویه  
باید گفت که بیشتر مین  
لنوبیای رزمی در دوران مقاومت  
ضد استعماری خلقهای کشور  
ما توسط شاعرانی نامعلومی  
سروده شده و شاید از هزاران  
مزاراین چنین سروده ها تنها  
محدودی توانسته است که به  
دلها چنگ زده و راه بقای  
همیشگی خود را جاودانی  
سازد . در آن دوران این  
لنوبیا بیش از همه جوابگوی

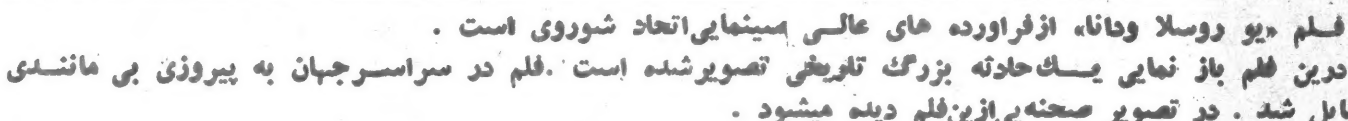
جانانه هستی و خشت  
به راشی  
چی تو پک وا خلو  
لاس پلاس سترگه خونه  
واما اگر جوانی در نبرد  
مرگ و زندگی برای هستی  
اجتماعی کشورش کمر نبندد  
با چنین لحن طعنه آمیز بر او  
فریاد میکشند :

شمله غیرت  
سره مزه گا  
بی غیر تکان  
یی په سرو لی لگوینه  
په مو و چل بیا  
تکونه کیزی  
میره جنگیگری  
موزی کور گوی خوبونه

لنوی، سرودی است که ازقلب  
توده ها برخیزد و صفای  
احساس و تابندگی اراده انسان  
زحمتکش و واقعیت راستین  
زندگی را باز گو میکند . رمز  
بقا و دلپذیری این سروده ها  
نیز در آنست که هرگز به  
زهر فسادوریا ع کاری نیالوده  
و بیانگر بی غل و غش واقعیت  
زندگی اجتماعی اند . لنوی  
ها همیشه سروده های برخاسته  
ازقلب توده ها همانند دوبیتی  
ها و چهار بیتی های زبان دردی  
گرگانه فریاد های غم انگیز  
دلدادگان ستم کشته را که  
پدیده ناگزیر نظام های طبقاتی  
استثمارگر است به گوش  
زمانه ها میرساند و زمانی هم  
بازبان تند و بی باک خود  
شکست و ریخت جامعه بی مبتلا  
به بی عدالتی و ستم اجتماعی  
را به محکومیت میکشاند . در  
لحظات حساس تاریخ زندگی  
اجتماعی و در مقطع های زمانی  
معین که پیدادگرانی از کرانه  
های دیگر به تصور چپاول  
هستی مادی و معنوی نشان  
کم بسته و بانگ بر تصورات

صحبکا ها ن این جو ه  
ائیری و مقدس زنده گی  
بادیر خیزی تان کوتاه نواز  
(شوپنهاور)  
بزرگترین سعادت ایس  
است که مردم ما را دوست  
داشته باشند .

زیر نظر مہیات تحریر  
در دستوار: صدق کاوا



بود .  
زنی که ساعت را پرسیده  
بود ، با آرامش به چوکی تکیه  
آده و گفت :  
خوب ، هنوز بسیار وقت  
است .  
نفس را حتی کشیدم . برای  
بیکه آزن هم از وقت وساعت  
چیزی نمی فهمید ، ولی زنی  
که پشت سر مادر م نشسته  
بود ، سرش را پیش آورد و بر  
سید :  
گفتید چند بچه است ؟  
مادر م جواب داد :  
ده دقیقه به هشت مانده .  
آزن به زن پهلویش  
چیزی گفت و هر دو بلند بلند  
خندیدند . من سراپایم را تانچ  
فراگرفته بود و لبها یم را با  
زدن می گزیدم . بعد مرد قد  
بلندی که ایستاده بود ، از  
مادر م پرسید :  
گفتید چند بچه است ؟  
مادر م جواب داد :  
ده دقیقه به هشت مانده .  
آنمرد در گوش رفیقش  
چیزی گفت و هر دو قهقهه زدند .  
بعد زن دیگری از چوکی  
آنطرفتر با تمسخر صدا کرد :  
گفتی چند بچه است ؟  
مادر م گفت :  
ده دقیقه به هشت مانده .  
آن زن هم خنده را سرداد .  
راننده نیم رخش را گشتاند  
و پرسید :  
گفتی ساعت چندانست ؟  
و بدو ن آنکه منتظر جواب  
بماند ، به شدت پخ زد و شانه  
های برآمده اش به تکان در

سناك رخ داد . زنی كه كنار  
مادر م نشسته بود ، از شى  
پرسيد :

- ساعت چنداست ؟

مادر م از پشت چشمكهاى  
چادرش به صفحه ساعت  
خيره شد . ديد م كه لبهايش  
دروزر چادري تكان ميخورد -  
محاسبات رياضى خودش را  
انجام ميداد آن زن ديگر هم  
با حوصله تكان به لبهاى  
مادر م . تكان م بخوردند ،

پرسیده م :  
- خوب حالا چند بجبهه  
است .  
به ساعتش نظر انداخت  
و شروع کرد به زمزمه کردن  
پنجه های زیر لبش .  
اینطور به نظر میامد که  
میخواهد دعا یی بخواند  
و ساعت را افسون کند ، ولی  
در واقع سرگرم انجام دادن  
محاسباتی پیش خودش بود .  
ساعتها میسر و بلند کرد

صفحه ساعت میگذراشت و میگفت :  
این پنج است ، فهمیدی ؟  
این پنج است .  
مادر م چون کود کی تکرار میکرد :  
- این پنج است . ها ،  
فهمید م این پنج است .  
ولی اشتباه میکرد و فهمیده نمی بود . زیرا لحظه ی بعد ، پدر م باز هم بانو ك قلمش بعد ،  
نیم را نشان میداد و می

مادر م همواره آرزو میکرد  
که ساعتی داشته باشد - يك  
ساعت بند دستی .  
روزی ي این آرزوی او بر-  
آورده شد و پدر م برایش يك  
ساعت خرید . ساعت كوچك و چار  
كنج بود . رنگ طلايی داشت  
و عقربه هایش سبز رنگ  
به نظر میا موند .  
پدر م گفت :  
- این ساعت شبی بین است  
مادرم شب قهده گفت :



پرسید :

— این چند است؟

مادر م بهر اسمیه میشد و با لکنت زبان جواب میداد :

— این .... این هشت است ... هشت نیست ؟

من عصبانی میشدم ، اما پدرم با حوصله فرا خش میخندید :

— خوب با آخر یکروز یاد میگیری .

به اینصورت هفته ها گذشت و مادرم اندکی با ارقام لاتینی آشنا گشت . با آنها غالباً عدد «هشت» را به «سه» و «ننج» و عدد «نه» را به «شش» اشتباه میکرد .

یکروز به مهمانی میرفتیم دیدم مادرم ساعتش را به دنت بسته است .

گفتم :

— ساعت را نبند ، دیگر پرسید :

— چرا ؟

جواب دادم :

— برای اینکه یاد نداری عصبانی شد :

- راستی ؟  
 پدر م سرش را تکان داد :  
 - هادر تاریکی مثل شمع  
 میدرخشد .  
 به مادر م گفتم :  
 - آخر تو که ساعت رانمی  
 فهمی .  
 عصبانی شد :  
 - خوب یادش نمیگیرم ،  
 دیگر ،  
 پدر م تصدیق کرد :  
 - چه سختی دارد ، یادمی  
 گیرد .  
 ولی هر دو اشتباه میکردند  
 و مادر م هرگز ساعت رایان  
 نگرفت . یاکم از کم درست یان  
 نگرفت .  
 از آنروز به بعد ، پدر  
 شروع کرده به اینکه ساعت  
 رابه مادر م بیا موزد .  
 نخستین مشکل او این بود  
 که از قام لاین روی صفح  
 ساعت به نظر مادر م مثل  
 معمی های سردر گمی میامدن  
 که فهم آنها قدرت خارج  
 العاده می رایاناز داشت . رو  
 ها و شبها پدر م می نشست